



خبرنامه

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۳

شماره: ۳۷

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

تکثیر از: شورای جریکهای فدائی ایران - پارس

یوشی اسوی سازماندهی مسیح تسوده هسا!

تکثیر از

شواهران: جریکهای فدائی خلق ایران مدره

«یکسال از عم و خبرنامه گذشت»

هنگامیکه قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۵۷ صورت گرفت و با تکاپو و فعالیت امپریالیستها و مردمداران کومنی حکومت، بعد از دو روز، حمله قهرمانانه خلق ما سویژه مردم قهرمان تهران به پادگانها و مراکز نظامی دشمن متوقف گردید، هم امپریالیستها و هم گردانندگان جدید ماشین دولتی خشود گردیدند. ظاهراً همه چیز بروفق مراد آنان بود و زیانی که دیده بودند، ضربه خوردن ارتش، افتادن مقداری سلاح بدست خلق و تجربه مردمی بود که در این دو روز، مبارزه مسلحانه ای را که در گذشته عمدتاً در عملیات سازمان پیشا - هنگ دیده بودند، خود در عمل بکار بستند. اما در عوض امپریالیستها و سردمداران حکومت گمان می بردند که این قیام ناخواسته (ناخواسته برای آنان و نه برای خلق) فوایدی نیز در برداشته است که مهمترین آن تبلیغ این ایده است که حکومتی که سرکار آمده حاصل قیام مردم است و کار جنبش توده نیز به آخر رسیده و فریب و سیرنگ آنان موجب میگرد که سیل جنبشی را که دولتهای شریف امامی و زهارای و بختیارن توانسته - اند مهار کنند، سردمداران جمهوری اسلامی مهار خواهند نمود.

البته بخشی از توده ها فریب خوردند. فریب خوردگان - که از هر قشر و دستای بودند - برای این گمان بود - ند که قیام کار امپریالیستها و شوکران او را در داخل تمام کرده است و قیام توده ای، ماشین دولتی را به رهبران توده ای سپرده است. بخشی از مردم نیز به آنچه که اتفاق افتاده بود مشکوک بودند اما به هیچوجه موضعی جنبشی نگرفتند و در پی جستجوی واقعیت سرآمدند و بخشی دیگر از همان آغا زدن را یافتند که امپریالیستها جدا می را بر سر راه جنبش خلق نهادند و چگونه با توسل به تمام می تجربیات فدا خلقی خود رهبرانی را به توده ها تحمیل کردند که هیچگاه در فکر منافع خلق نبوده اند. رهبرانی که با امپریالیستها مذاکره کرده بودند و با آنان به توافق رسیده بودند.

اما این فریب بزرگ با آنچه مقدمه جنبشی و تمهیدات گوناگون نتوانست حلوی موج توفنده جنبش توده ای را بدست نمایند. مردم ما علیرغم تبلیغات کرکشنده امپریالیستها و سردمداران جمهوری اسلامی بخوبی درک کرده بودند که با رفتن شاه مبارزه با امپریالیسم پایان نگرفته است. آنها درک کرده بودند که برای مبارزه با امپریالیسم باید به تمام می روابطی که در جامعه ما وجود دارد، یعنی روابطی که حاصل تسلط امپریالیستها در یک قرن گذشته بوده است، یورش ببرند و در نتیجه چنان دستهای مردمی که فکر میکردند سردمداران جمهوری اسلامی ضدا امپریالیستند و چه آن دستهای مزد می که موضع واقعی این خیانت پیشگان به خلق را می - دانستند، مبارزه ضدا امپریالیستی خود را ادامه دادند، و سیر و قایمی که سرعت میگذشت روز بروز دست گردانند - گان رژیم را بیش از پیش بازمی نمود هر حرکت خلق با مقاومت آنان مواجه میشد و رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب توده ها از همان شیوه های آریا مهری با صافه مقداری خدعه و سیرنگ و فریب سود می برد.

خیزش جنبش توده ای مردم اوج بیشتری میگرفت و تازه به تخت رسیدگان وحشت زده به مقابله با آن می پرداختند و در نتیجه دست خود را رومیکردند. هواداران دیروزی حکومت به مخالفان سر سخت اوتبدیل می - شدند و آسپانی که می دانستند که حقیقت باید چیز دیگری باشد اما نمی دانستند که چیست به گنجه قصبه پی میرد - ند و حقا نیت نظرات نیروهای انقلابی مخالف حکومت (و نه طرفداران حکومت شاه و یا بختیار) بیش از پیش ثابت میگشت و با نتیجه سرکوب توده ها توسط حکومت نیز گسترش می یافت.

شرایط علنی که پس از سالهای طولانی اسارت در جریان جنبش خلق و با اعتماد نویسندگان و کارکنان مطبوعات آزادی را تجربه می نمودند، خواه ناخواه منعکس کننده رویدادهای جامعه ما شده بودند. نویسندگان مطبوعات قسم یاد کردند که قلم خود را تنها در راه منافع خلق بکار گیرند و آزادیهای که حاصل مبارزات خلق بوده آنها را آن امکان را میداد که تا حدودی به این وظیفه خود عمل کنند. پس تا حدودی اخبار و گزارش اعتمادیات و نظرات و افشاگری و در مطبوعات منعکس میگردید در این میان نشریه فکا هسی جلگه (که موضعی کاملاً انقلابی ایجاد کرده بود) و روزنامه آسندگان بیشترین نقش را بازی میکردند. تیراژ مطبوعات سرعتی با سبدهای بالامیرفت و با طرور نا مد فروشها از انواع و اقسام مطبوعات گوناگون رنگین شده بود و وظیفه هر چه سنگین تری سردوش مطبوعات علنی قرار میگرفت. این سبدهای سود که از ختم حاکمیت سپاهان معاند، یعنی را که مطبوعات علنی در جنبش بازی میکردند برای حکومت جمهوری اسلامی به همان اندازه خطرناک بود که برای حکومت محمدرضا شاه. چه محمدرضا شاه و دا رودستهای و چه سردمداران حکومت جمهوری اسلامی اگر سراسر آگاهی توده و وحشت زده بودند و مطبوعات علنی شدت این وحشت را دامن مردم، پس سردمداران حکومت جمهوری اسلامی لازم میدیدند که یورش خود را به مطبوعات آغا رسا بدو کار مطبوعات علنی را یکسره بزنند.

گردانندگان رژیم که در جریان اعتصاب ۶۲ روزه مطبوعات برای آنان پیام و گل فرستاده بودند، اکنون جماعتداران خود را سراغ آنها میفرستادند. حکومت مبعزست تا مطبوعات علمی را بوسیله جماعتداران به تعطیل بکشاند تا خود را میری از سرکوب به تیپه سابق قلعه ادمایت. اما جماعتداران در کار خود توفیق چندانی نیافتند و با نتیجه حکومت که نشان دادن ماهیت خود را اجتناب ناپذیر میدید با دادن فتوی و بشکلی "قانونی" به توقیف مطبوعات علمی که در صدر آن آیندگان و جنگسرها قرار داشتند، پور داخت و در روز شنبه ۱۶ مرداد ماه ۵۸ با دستگیری ۱۳۰ تن از کارکنان روزنامه آیندگان و توقیف این روزنامه و نشریه جنگرها را به تعطیل کشاند و سپس تظاهرات و مسی را که بر علیه اقدامات حکومت درباره مطبوعات صورت گرفت بخون کشاند، در واقع تظاهرات ۲۱ مرداد ماه ۵۸ را می توان مراسم سوگواری برای آن دسته از مطبوعات علمی که موفقی انقلابی داشتند دانست.

مطبوعات رایکی پس از دیگری ترقیف میگردند و آنها را در اختیار "بنیاد مستضعفین" میگذارند و بدین ترتیب بنام مستضعفین مطبوعات در دست کسانی قرار میگیرد که تیرنیز گردن آنها را نمیزد. حکومت حتی به روزنامه اطلاعات که نویسندگان آن قبل از توقیف روزنامه شان به در پیوزگی افتاده بودند در هم نکرده و آنها را نیز غصب کرد.

هریک از این نشریات با نام و امکانات خود در دست این یا آن جناح از حکومت قرار گرفت. و خلاصه تمامی مطبوعات علمی در دست حکومتی شد. اخبار واقعی مبارزات خلق ما از مطبوعات نقش بر آب و تمامی آنان دوباره همان راهی را که در دوره حکومت منفور شاه میفرستند در پیش گرفتند. اخبار کذب، تبلیغات دروغی و حمایت سیدریخ از حکومت جایگزین آزادی مطبوعات شد و نویسندگان و کارکنان آزاده مطبوعات به خیل بیگانه ران پیوستند و با نتیجه تیر از مطبوعات نیز سرعت پاشین آمد.

در چنین شرایطی وظیفه ما چه بود؟ از یک سو جنبش خلق می جوشید و می خروشد و از سوی دیگر حکومت بهادر دست گرفتن تلویزیون و رادیو و کلیه مطبوعات از آنکاس این رویدادها در سطح جامعه حداقل به شکل واقعی آن جلوگیری می نمود. پس در شرایط فقدان مطبوعات علمی مبارزین اخبار و گزارشهای مبارزات مردم میهنمان به عنوان یک وظیفه در پیش روی ما قرار گرفت. اما انجام این وظیفه را توانایی علمی ما محدود می کرد. مجموعه دیگر وظایف مبارزاتی با ما فزاد که ما از یک سو تحریرهای دوگانه را انتشار یک نشریه نداشته و از سوی دیگر هنوز فرصت آنرا نیافته بودیم که یک سیستم خبری را در میان تمامی رفقای قرار کنیم، کار را دشوار می ساخت اما به نظر ما هیچیک از اینها نمی توانست انتشار یک نشریه خبری را، هر چند محدود، ناممکن سازد. در اینجا می بایست با استاده ما زمانه می خردست زد و پس کار را آغاز نمود و با آنکه کار را آغاز کرد و سیستم خسرا در جریان عمل سازمان داد. اگر ما قبلا تجربه ای دوزمینه برقراری این سیستم داشتیم قطعاً راه اول را انتخاب می نمودیم اما فقدان تجربه در این زمینه ما را بر آن داشت تا راه دوم را انتخاب کنیم. ما میدانستیم که خبرنا مه در آغاز بسیار خام و ناپخته منتشر خواهد شد، اما اینرا نیز میدانستیم که بسیاری از مشکلات در جریان عمل از پیش پا برداشته میشود و گمان نمیکنیم که گذشت یکسال از عمر خبرنا مه صحت این نظر را تأیید میکند.

مهمترین مسئله آن بود که رفقای هوادار که می الواقع کار اصلی خبرنا مه فروش آنها بود تفاوت خبرنا مه را با یک ارگان سراسری در یافتند و با نتیجه درک کامل روشنی از وظایف خبرنا مه داشته باشند. ما همگامیکه در چند شماره اول خبرنا مه در دستم که برخی از رفقای هوادار در درک وظایف خبرنا مه به خطا رفته اند با ردیگر این نکته را در خبرنا مه شماره ۹ توضیح دادیم و بطور مشخصی با ردیگر وظایف خبرنا مه را بر شمردیم ما در آنجا گفتیم که رفقاه طریق خبرنا مه در جریان بعضی از مبارزات توده ها (یعنی آن بخشی که ما توانستیم ایم منعکس کنیم) قرار گرفته و با مسائل توده ها، شکل حرکت آنها، برخورد حاکمیت با آنها و..... آشنا میشوند و از سوی دیگر اینرا سبب و ضعف رفقاه هوادار دانستیم که با بردن این خبرنا مه به میان توده ها، آگاهی آنان را سبب افزایش دهد. ما در میان مقاله گفتیم که: "اگر بپسنداسم که خبرنا مه ما در دهات با کارخانه ها محل کسب و کار بخش میشود و خواهد شد و با شادی ما است و این دقیقاً همان وظیفه است که انجام آنرا از رفقاه انتظار داریم".

بهر حال شرایط برای انتشار خبرنا مه به دلیل مبارزات حاکمیت سخت تر شده است. رفقای ما را به دلیل فروش خبرنا مه مورد ضرب و جرح قرار میدهند و آنرا را دستگیر کرده و زندانی میسازند. برای حامیخانه ها با طر جاب خبرنا مه به ضیقانی ایجاد کرده و آنها را ترقیف میکنند و خلاصه حکومت این انجرا را با داده است که خبرنا مه را غیر قانونی اعلام کرده است اما کار خبرنا مه را با عیاضه و وظایف آن سرزمینی نگوده است. ما

هنوز هم انتظار داریم که رفقای هوادار با خواندن خبرها با بخشی از مسائل مردم میهنمان آشنا شده و از طریق بردن خبرنامه به میهنان مردم آگاهی آنها را افزایش دهند و به همین خاطر ما کوشش کرده ایم تا خبرنامه را به زبانی مشترک کنیم تا برای توده قابل فهم و درک باشد. حتی همگامی که با توجه به برخی ضرورتها، مقالاتی به خبرنامه اضافه شد، این مقالات عمدتاً مقالاتی بودند که با مسائل سیاسی روز برخورد میکردند و در نتیجه جذب آنها برای توده ها امکان پذیر بود.

در این یکسال با اعلانی خبرنامه به بردوش رفقای هواداری بود که از سراسر ایران خبر و گزارش تهیه کرده و برای ما میفرستادند و خود نیز به سازماندهی سیستم خبری پرداختند و خبرنامه را نیز توزیع میکردند. بسیاری از رفقا به ضرورت انجام این وظیفه پی برده و در این راه کوشش بسیار کرده اند که بعنوان مثال می توان از رفقای خوزستان و گیلان و مازندران نام برد و برخی از رفقا هنوز هم به ضرورتهای انجام این وظیفه کاملاً پی نبرده و بدلائیل مختلف از قبیل عدم امکانات و..... در این راه کم کاری میکنند. فی المثل در همین مازندران رفقای قائم شهر از زمره رفقای هستند که در کار تهیه خبر و گزارش کم کارند و با میتوان از رفقای کردستان نام برد. (بسیار مایل بودیم که از رفقای سراسر ایران که در این راه کوشش بسیار کرده و با کم کاری نموده اند نام ببریم ولی بدلائلی از این کار خودداری کردیم).

اما بهر حال در طول یکسال گذشته ما و شما می رفقای که به کار تهیه و پخش خبرنامه مشغول بودند، توانستیم تا حدودی مشکلات را از پیش پای خود برداریم اما هنوز هم کار ما دارای ضعفهایی است که اهم آنها عبارتند از:

۱ - ما هنوز نتوانسته ایم در سراسر ایران به سازماندهی مطلوبی در زمینه خبر و پخش خبرنامه دست یابیم. آنچه که تا کنون در این زمینه صورت گرفته است عمده "حاصل کوشش رفقای هوادار بوده و از این پس نیز این مهم بیشتر بردوش آنان خواهد بود.

۲ - گاهی در خبری اشتباهی وجود دارد که بنا بر صورت اطلاع در شماره های بعدی خبرنامه آنرا تصحیح میکنیم. این اشتباهات غالباً "بدلیل کم توجهی رفقای تهیه کننده خبر و غرض غم تذکرات ما با زهم در این زمینه سهل انگاریهای صورت میگردد. اگر رفقا در نظر بگیرند که ذکر نکته ای اشتباه هر چند کوچک، در یک خبر، چگونه به خبرنامه خصوماً "در آن منطقه ای که خبر از آنجاست، ضربه میزند، قطعاً" در این باره دقت بیشتری خواهند کرد و هر خبری را تا اطمینان کامل به صحت آن بعنوان خبری موثق، برای ما نخواهند فرستاد.

۳ - در حالیکه بسیاری از اخبار در نتیجه جدیت و کوشش رفقا، بموقع بدست ما میرسد اما بدلیل امکان نداشت محدود و حجم زیاد اخبار بموقع نمی شویم که بموقع آنها را در خبرنامه درج نمائیم و در نتیجه برخی از اخبار بعد از گذشت مثلاً "یکماه و یا حتی بیشتر در خبرنامه درج میشود. بعنوان نمونه می توان از همین شماره خبرنامه و شماره پیشین آن نام برد. در ضمن همین امکانات محدود که موجب میشود که در انتشار بموقع خبرنامه خلل وارد آید و خبرنامه با تاخیر بدست خوانندگان آن برسد و:

۴ - غلطهای چاپی خبرنامه

اما ما همه این معضلات و مشکلات ما امیدواریم که هر روز بیشتر از روز قبل بر آنها فائق آمده و نواقص کار خود را از بین ببریم تا در انجام وظایف انقلابی خود موفق تر باشیم. با درود به رفقای که با تهیه خبر و توزیع خبرنامه بیشترین زحمات را بردوش کشیدند و میکشند.

با احترام به همه رفقای مازندران
جریب - چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

رفقایانی که خبر تهیه میکنید:

- تهیه اخباری که گوشه‌ای از زندگی و مبارزات خلق ما را نشان میدهد، یک وظیفه مبارزاتی است. ضمن آنکه برای بانجام رساندن این وظیفه خود را با زمان میدهید، به نکات زیر توجه کنید:
- ۱- خبر را با دقت و ذکر جزئیات و تاریخ و ساعت تهیه کنید.
 - ۲- به موشق بودن آن مطمئن باشید.
 - ۳- به اهمیت واقعهای که رخ داده است، توجه کنید. برخی حرکات به وسیله بخشی از طبقه حاکمه بر علیه بخشی دیگر از خودشان صورت میگیرد و ظاهر مردمی دارد.
 - ۴- خبر مربوط به یک رویداد یا را به درنگ پس از مطلع شدن از آن تنظیم نکنید و در اسرع وقت بدست ما برسانید.
 - ۵- گذشته از خبر اگر به عکسها و یا طرحهای خوبی برخورد کردید آنها را برای ما ارسال کنید.
 - ۶- اخبار و گزارشات را حتی المقدور با خط خوانا بنویسید.
- نظرات خود را برای بهبود خبرنامه برای ما بنویسید. سعی کنید از انعکاس خبرنامه در بین مردم (یا بخشی از آنها) آگاه شده، نتیجه را برای ما بنویسید.

رفقای هوادار:

منته سفاک به علت فقدان ارتباط مستقیم جریکهای فدائی خلق ایران با هواداران در برخی از نقاط کشور عده‌ای از شیادان سیاسی خود را از اعضای جریکهای فدائی خلق ایران معرفی کرده و به اخاذی و فریب سیاسی میپردازند. بیشک آنها میخواهند ضمن ارضاء حس جاه طلبی‌هاشان، به این وسیله من بدبینی رفقای هوادار را برانگیزند.

ما از همه رفقای هوادار خود که صادقانه شب و روز در تلاشند تا آرمانهای جریکهای فدائی خلق ایران را زنده نگه دارند، میخواهیم تا به هوشیاری مشت این قبیل افراد را با زکند و مراقبت باشند تا مبادا افراد و یا گروههای ساختگی و مجازی چون "شاخا میر" در آنها نفوذ کنند و بهنگام ارتباط گیری با آنها سعی نمایند به هر وسیله‌ای که خود میدانند ما را در جریان قرار دهند و باید دانست که هوشیاری انقلابی شرط مهم حفظ عملکرد انقلابی است. با ایمان به پیروزی راهبان

شرکت فعالانه رفقای مادر جنگ بر علیه نیروهای تجاوزگر عراقی در شهرهای جنوبی میهنمان، شرکت در جنگ دو دولت وابسته ایران و عراق نیست. جنگ بین این دو دولت، جنگی غیرعادلانه است که منافع نامشروع قدرتهای بزرگ جهانی در پشت آن نهفته است. در حالیکه رفقای مادر جنگ عادلانه خلق بر علیه یک نیروی تجاوزگر شرکت جسته‌اند.

زند باد همه ستمگی برادرانه بین خلقهای ایران و عراق
هر چه برافراشته تیر باد بر چرخ خونین جریکهای فدائی خلق ایران
مردم برآمده بالسم و سگهای زخمیرش

تفتیش عقاید در کارخانه‌ها

مبارزه طبقه کارگر در جامعه ما هر دم اوج تازه‌تری میگیرد. طبقه کارگر ایران که در اثر مبارزات خود و سایر طبقات و افشار خلق در جنبش اخیر مردم میهنمان به آگاهی بالایی دست یافته است، مبارزات خود را چه در زمینه دست آوردن حقوق اقتصادی خود و چه در زمینه مبارزه سیاسی وسعت داده است. جنبش کنونی خلق فهومان ایران شاهد گسترش روز افزون مبارزات طبقه کارگر است. کتابی که اخیراً "جریکهای فدائی خلق ایران بنام" نگاهی به: مبارزات طبقه کارگر (۲۳ بهمن ۵۷ - ۱۱ اردیبهشت ۵۹) منتشر نموده - اندوخته بسیار بقیه جنبش کارگری ایران را نشان میدهد. طبقه کارگر ایران میگوید تا بندهای اسارتی را که قریب است بر دست و پای او زده اند بگسلد و بار هری جنبش خلق، جامعه‌ای آزاد از استعمار و غارت امپریالیست - ها و سرمایه داران وابسته را بنهد.

طبقه کارگر ما میگوید تا آنچه که با وجود قیام قهرمانان خلق در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، برانجام نرسید و از سوی سردمداران کنونی حکومت - که با سوء استفاده از جنبش عظیم خلق ایران، به مذاکره با امپریالیستها شسته - بکراه کشانده شده سرانجام خود برسانند. اما در این راه دشوار، مؤامنه در سراز طبقه کارگر ما و سایر اقشار و طبقات خلق وجود دارد که با هوشیاری توده‌ها و رهبری صحیح سازمانهای انقلابی میتوان آنها را از سر راه برداشت. پیوند روشنفکران انقلابی با توده، خصوصاً پیوند روشنفکران پرولتری با طبقه کارگر ایران، قدرت عظیم خلق را در مسیری صحیح و انقلابی هدایت خواهد کرد. طبقه کارگر ما هم اکنون از یکسو مورد هجوم نیروهای سیاسی ای است که به آستان بوسی درگاه حاکمیت پرداخته اند. این جریانهای منحرف همچون جریان منحنی "کار" که از نام سازمان ما یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران سوء استفاده میکند، به نام اعتقادهای آلمانهای طبقه کارگر، کوشش می‌نماید تا با نفوذ در میان طبقه کارگر، مبارزات این طبقه انقلابی را به شکست بکشانند. اینان از کارگران میخواهند تا دست از مبارزه بردارند و در مقابل تمامی اعمال ضد کارگری حکومت سکوت اختیار کنند. اینان از کارگران میخواهند که نه تنها به استعمار دهند بلکه با کار بیشتر، بیش از پیش جیب سرمایه داران وابسته را انباشته کنند.

از سوی دیگر طبقه کارگر مورد هجوم دائمی حکومت است. حکومت جمهوری اسلامی میگوید تا از طریق عده‌ای خود فروخته در کارخانجات، شوراهای ضد کارگری را تشکیل دهد که ظاهری کارگری داشته و بنام کارگران، مبارزات کارگران را سرکوب نماید. اکنون غالب شوراهای اسلامی در کارخانجات دقیقاً همین وظیفه را بر عهده داشته و حکومت با تشکیل این شوراهای زرد به مقابله با شکل‌های واقعی کارگری برخاسته است. یک نمونه از اعمال اینگونه شوراهای زرد که حیره خوار حکومتند منظره‌ای بود که بین وزیر کار و دو گروه از این شوراهای دربار "لغو قانون سود ویژه" در تلویزیون صورت گرفت و همه ما ماهیت اینگونه شوراهای اسلامی را یکبار دیگر به یاد داریم. اما حکومت برای سرکوب مبارزات طبقه کارگر تنها به این شوراهای ضد کارگری دلخوش نگرفته است. حکومت میگوید تا از طریق سرکوب قهرآمیز مبارزات کارگری، این مبارزات را خاموش نماید. اعزام یاسداران ز-۳ بدست و گمسته‌ها به کارخانه‌ها و شناسایی و اخراج کارگران آگاه و مبارز اکنون دیگری از وقایعی است که بطور روزمره در کارخانه‌ها جریان دارد. در شرایطی که سرمایه داران وابسته - که از حمله آنان نهار بزرگ بازاری دارند - کالاهای با گرانترین قیمت‌ها به بازار عرضه میکنند و میلیون‌ها تومان هر روز به جیب میزنند و در نتیجه، گرانی سرسام آور زندگی را بر کارگران و خانواده‌آنان هر چه سخت‌تر نموده است، حکومت هر کارگری را تنها "بهرم" میارزید و از کارخانه اخراج کرده و بدین ترتیب هر روز بر لشکر سکا را می افزاید. حکومت میگوید تا از طریق اخراج کارگران مبارز از کارخانجات از یک طرف آنها را از دیگر کارگران جدا ساخته و از طرف دیگر کارگرانی را که شایسته‌اند به اخراج از کار بفرستد. اکنون حکومت به شناسایی کارگران آگاه و مبارز در کارخانجات مشغول است و به همین منظور تفتیش عقاید در کارخانه‌ها برپا داشته است. دو نمونه از این شناسایی را که حکومت به منظور نفی عقاید و شناسایی کارگران مبارز در کارخانجات بخاطر آن کرده است عموماً در اینجا درج میکنم.

هر چه مستحکمتر باد پیوند کارگران با جریکهای فدائی خلق ایران

۸- کدام صفحه روزنامه را مطالعه می کنید ؟ خبرها ☐ سرعقاله ☐ تفسیرهای سیاسی ☐
 تفسیرهای اقتصادی ☐ مسائل اجتماعی ☐ صفحه گنجینهها ☐ صفحه عابرها ☐
 مقالات علمی ☐ حوادث ☐ صفحات شهادت ☐ سرگرمها ☐
 مطالب دیگر : لطفاً ذکر کنید .

۹- نظر شما در مورد خبر روزنامه چیست ؟ خوب است ☐ اکثریاتی نیست ☐
 ترمیم کننده است ☐ نظرات دیگر لطفاً ذکر کنید .

۱۰- ملاقات می کنید بیشتر خبرها مربوط به چه موضوع خاصی باشند ؟
 ۱- ملاقات می کنید چه مطالبی در روزنامه درج شود ؟
 ۲- نام چند تن از بهترین نویسندگان مقالاتی را که بعد از انقلاب مطالعه کردهاید ذکر کنید .

۳- ملاقات می کنید به چه مطالبی سنجیده‌تر و بیشتر اختصاص داده شود ؟
 ۴- آیا فکر می کنید مطالب روزنامه ها سازنده تر باشد ؟ بله ☐ خیر ☐
 ۵- در صورتی بله از چه طریق سازنده تر شود ؟ دولت ☐ گروهها ☐
 از طریق دیگر لطفاً ذکر کنید .

هفته نامه ها و مجلات

۱- کدام هفته نامه یا مجله ای را مطالعه می کنید ؟ ۱- ☐
 ۲- ☐ ۳- ☐ ۴- ☐ ۵- ☐

۲- به چه طریق آنرا بدست می آورید ؟ خبریه ☐ گزایه می کنید ☐
 از دوستان می گیرید ☐ از طریق دیگر لطفاً ذکر کنید .

چه صفحات را در مجلات بیشتر می پسندید ؟
 چه ستون خاصی در مجلات بیشتر شود ؟
 بخش و پیشنهادهای دیگر در مجلات

بررسی نامه ای در مورد مسوولیت

کدام

آدرس-پتوان شونده : شهر ☐ استان ☐ خلیبان ☐
 کوچه ☐ پلاک ☐

شخصیات

نام و نام خانوادگی

تعداد : ☐ جنس ☐ سن ☐
 محل ☐ تاریخ ☐

تعمیلات : ☐ ابتدائی ☐ متوسطه ☐ عالی ☐

تعمیل : ☐

روزنامه ها

۱- آیا روزنامه می خوانید ؟ بله ☐ خیر ☐
 ۲- در صورت بله لطفاً مشخص می کنید چگونه ؟ هر روز ☐ یکروز در هفته ☐
 هفته ای یکبار ☐ ماهی چند بار ☐
 ۳- تعداد روزنامه ها را که مطالعه می کنید : با روزنامه ☐ ده روزنامه ☐
 سه تا پنج روزنامه ☐ بیش از پنج روزنامه ☐
 ۴- چگونه روزنامه را بدست می آورید ؟ خبریه ☐ گزایه می کنید ☐
 از دوستان می گیرید ☐ از طریق دیگر : لطفاً ذکر کنید .

۵- اغلب روزنامه را در کدام مطالعه می کنید ؟ منزل ☐ محل کار ☐
 اجتماع ☐ صلیبهای دیگر : لطفاً ذکر کنید .

۶- روزنامه خاصی را مطالعه می کنید ؟ بله ☐ خیر ☐
 ۷- نام روزنامه یا روزنامه خاصی را که مطالعه می کنید ذکر می کنید :

۱- ☐ ۲- ☐ ۳- ☐

۱۶- آیا رئیس جمهور کنونی فردی است که به او رای دادید ؟

۱۷- آیا فرداً اگر باز رای گیری شود به او رای بخرایید داد ؟

۱۸- می توانید بگویند چرا ؟

۱۹- نوبسته و یا سخنران مورد علاقه شما کیست ؟

۲۰- توجید را در حد توانایی خویش توضیح دهید ؟

۲۱- تبعی الدلایه تبعی القضاچه و صمیمه سجادیه و نوشته حاکو گفتار چه کسانی هستند ؟

۲۲- امامت یعنی چه ، آیا ایت الله خمینی امام است ؟

۲۳- آیا حاکم به معنای پاسداران انقلاب اسلامی هستند ؟

سئوالات اضافی

برای افراد از ششم ابتدائی تا سوم متوسطه

۱- به نظر شما چه خطراتی انقلاب ما را تهدید می کند ؟

۲- راه جاززه با این خطرات را چگونه بیان می کنید ؟

۳- چه شخص یا اشخاص را در پیروزی انقلاب موثر می دانید ؟

۴- می توانید نام گروهها احزاب سیاسی - مذهبی را نام ببرید ؟

برای افراد سوم متوسطه به بالا

۱- کدامیک از سازمانها ، احزاب سیاسی - مذهبی موجود را قبول دارید و کدامیک را قبول ندارید ؟

۲- با کدامیک بیشتر مایلید همکاری کنید ؟

۳- چه عواملی بیشتر از همه در پیروزی انقلاب نقش داشته است ؟

گروههای مسلح روحانیت احزاب ملی مذهبی روحانیت و مردم

مردم با هم

آدمی :

کلی فزیرگی :

بسم الله الرحمن الرحيم			
پرونده شماره ۱	نام خانوادگی	تاریخ تولد	میزان تحصیلات
نام	نام خانوادگی	تاریخ تولد	میزان تحصیلات
جنسیت	وضعیت	محل	
باسم سوخته شده سبزه زبیر اسماعیل اسماعیل صدیق شمس			
۱- می توانید بنویسید چرا و نام این نسخه شرکت می کنید ؟			
۲- آموزشهای ندائی را تا چه حد برای خود لازم می دانید ؟			
الف : اسلحه های سبک به : سنگین ج : تسلیحات رزمی د : هر سه			
۳- چند ساعت در هفته میزبانان را به آموزش نظامی اختصاص می دهید ؟			
۴- اگر همراه با کلاسها نظامی آموزشهای اسلامی (ادبیات و لوزی) ایام شد حاضر به شرکت در کلاسهای میزبانی ؟			
۵- در صورت مورد بودن ن در خاراده شده در مورد شرکت در این کلاسها چیست ؟			
۶- در صورت لزوم ، حاضر به شرکت در باوریهایی ندائی خواهید بود ؟			
۷- به قدر شما چه نقشی در انقلاب سهم بیشتری داشته است ؟			
الف : روحانیت ب : گروههای مسلح ج :			
۸- آیا تاکنون نیز چنین بوده است ؟			
۹- منظور از ارتجاع و مخزن چیست ؟			
۱۰- امیرالاسم را چگونه صرف می کنید ؟			
۱۱- چه روزنامه و مجله ای دنبال می کنید ؟			
۱۲- خط امام را چگونه تشریف می کنید و چه گروههای از همه بیشتر در این خط حرکت می کنند ؟			
۱۳- آیا دسترسی سیاسی همیشه باید در دست روحانیت باشد ؟			
۱۴- نظریات راجع به رادیکالیزم چیست ؟			
۱۵- بهترین کلاسهای که تاکنون خوانده اید چیست ؟			

تهران - شرکت هوخست

هندی پیش در شرکت هوخست اعلام کردید کسانی که میخواهند در کلاس تعلیم اسلحه‌ها را بگیرند باید دست داشتن دو قطعه عکس و یک فتوکپی شناسنامه به آقای حقی بیاورند. کارگران علاقمند به آقای حقی (سمایند) سیاه و یکی از کارمندان شرکت (مراحمه) کرده و مدارک فوق را بیاورند. آقای حقی بر سر نامه‌هایی با آنها میدهد تا آن را ببرند و بخواهند از کلاس استفاده کنند. این پرسشنامه که در وقتا چیری جز گفتن عقاید بود کارگران را تا حدی شگفت رده کرد بطوری که یکی از کارگران پرسیده بود که "ای ما ما آمده ایم که اسلحه یاد بگیریم که با آمریکا بجنگیم دیگر حالا به ما چه کار می‌دهد؟" داده ایم بهانه. "خلاصه عده‌ای از کارگران فرم فوق را پر کرده و تحویل می‌دهند. عده‌ای دیگر تا تشکیل اولین جلسه این کار را می‌کنند. در اولین جلسه نماینده سیاه پاسداران مطرح می‌کند که کلاس سیاه‌ها از آن استفاده کنید و چیزی جز ۲ قطعه عکس و یک فتوکپی لازم نیست این راهم که همه می‌توانستند تهیه کنند و برای ثبت نام بیاورید. در این بین یکی از کارگران آن می‌پرسد که به ما پرسشنامه‌هایی هم داده اند پس این جبهه دیگر. مری سمایند سیاه پاسداران می‌گوید به از طرف سیاه چنین مری برای آموزش اسلحه‌ها می‌دهد. وقتی که کارگران به آقای حقی اعتراض می‌کنند که پس این پرسشنامه‌ها چه بود، او جواب می‌دهد که برای شرکت لازم است که این پرسشنامه را بدهد، چون کسی که اسلحه یاد بگیرد مسئولیت دارد که این اسلحه را بطرف چه کسانی نشاندگی می‌کند آیا بر جهت باید این پرسشنامه‌ها را برکند. تعدادی از کارگران آن معده "از این کار امتناع می‌ورزند و می‌گویند ما کلاس اسلحه می‌آیم ولی به هیچ وجه نمی‌توانیم عقاید نمی‌دهیم. البته در اینجا "تقسیم کار"ی که بین مردم داران رژیم جمهوری اسلامی و آنها در کرب یعنی سیاه پاسداران و سرمایه داران وابسته موجود آمده، تا بدین شهر را ایجاد کند مثلاً "یکی از اسبابه راستی برای بالا بردن آمادگی مردمی کارگران در برابر دشمنان خلق و طبقه کارگر به آموزش مشغول است! سرو قاع نا درستی این سدا را را برایش اثبات خواهد کرد و آن بکار آمدن آنها است که بگوئیم

همه افراد و ارگاسهای دست اندر کار رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران وابسته و عواملشان، ارباب ایداحتی بازی آموزش نظامی، سرورسی هم سمایند واقعی با دشمنان خلق و بیوزنه کارگران نمی‌اندیشند و لاشهای مدیوحه رژیم در این مورد نیز همدستی را دنبال می‌کنند مگر به هر سرزدن انرژی انقلابی کارگر. آن در یک سلسله برامه‌های طرح ریزی شده ضد کارگری و ایجاد انحراف در میان رزات کارگران انقلابی از طریق لحن مال کردن اندیشه‌های انقلابی و ضربه زدن به عناصر انقلابی، اما لازمست یکبار دیگر یادآوری نمایم که کارگران با بدبا این توطئه نیز هشداران به سر خورد کنند و با این نکته توجه نمایند که نخستین و مهمترین شرط استفاده از هر گونه امکاناتی که بتواند کمکی و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف طبقاتی آنان باشد حفظ شرافت طبقاتی و سیاسی آنان است...

=====

تهران - شرکت داروگر

هندی پیش در شرکت داروگر پرسشنامه‌های مر - سوط به انجمن اسلامی درسین کارگران بخش شدن فرم آن را کارگران برکنند و معاونان اسلامی بشوند. و در ضمن اینطور بین کارگران شایع کرده بودند که هر کس این فرم را پر کند ضد انقلاب است و خلاصه همسان چیزهایی که برای سرزدن استفاده می‌کنند در این پرسشنامه سوالاتی شده بود مثلاً "در مورد رهبری خمینی و خلاصه سوالاتی که بیشتر جنبه نفی عفا بداشت و در ضمن در صفحه اول آن نوشته بودند که کسانی که معاونان اسلامی می‌باشند باید با ما هم‌راستا باشند و معاونان را رعایت کنند بدون این که در راه این مرا ما به چیزی برای کارگران گفته باشد. در این بین کارگران نا آگاه با توجه به مطالب بالا توجه به اینکه هر کس این پرسشنامه را پر کند اسلامی نیست پرسشنامه را بدون اینکه چیزی از مواد مرا ما به آن بداند بر کرده و بشود تحویل می‌دهند. یکی از کارگران روز بعد یکی از اعضا، شور مراحمه می‌کند و می‌گوید که "من که چیزی از این آشنی نامه و مرا ما به نمی‌دانم چرا باید برای این پرسشنامه مراحمه کنم و چرا ما بدون اینکه اول این نامه را به انجمن را بیاوریم و بخواهیم از ما خواسته اند که فرم زبر را برکنیم "عصو را که املا" انتظار داریم

پیش به سوی تشکیل همه‌ت‌های مسلح کارگری!

امام جمعه برای گروههای سیاسی خطونشان میکشد

ما همیشه گفته‌ایم که اکثریت قریب با تفاسی و جماعتداران حکومت که وظیفه سازماندهی آنها را عمدتاً حزب جمهوری اسلامی سعهده دارد، از اذل و ابیاسی اجیر شده اند که حزب جمهوری اسلامی آنها را سوی مردم و بسوی نیروهای سیاسی کیش میدهد و حکومت کمترین موفق شده است تا آنها را صراحتاً گاه را بفریبند و از آنان ما- سنجماقداران حرفه‌ای خود استفاده کند.

اکنون به قسمتی از سخنان امام جمعه تهران در نماز جمعه ۲۸ شهریور که عیناً "از روزنامه انقلاب اسلامی ۲۹ شهریور ماه در اینجا درج شده است دقت کنید:

امام جمعه به گروههای سیاسی هشدار داد که اگر دست از توطئه برند دارند نیروهای اسلامی را بجان آنها خواهد انداخت

روزنامه انقلاب اسلامی - ۲۹ شهریور ماه

جناب امام جمعه تهران بارها در گذشته نیز نشان داده است، هنگامیکه از "توطئه گروههای سیاسی" سخن میگوید، منظور او تمامی فعالیتهای سیاسی است و مقصود او از "نیروهای اسلامی" همان جماعتداران "حزب الهی" میباشد. با این او- ما ف از همین سخنان کوتاه‌خامنه‌ای روشن میشود که سرخ جماعتداران حکومت در دست کیست و جناب امام جمعه تهران چگونه آنها را کیش میدهد.

=====

اخبار کارگری استان گیلان

کارخانه بنا - رشت: در روز سه‌شنبه ۵۹/۵/۲۸ حسینی روحانی نمای معروف به اتفاق تعدادی پادار بکارخانه "بنا" می‌آید. او حواس را بیرون‌ده دوتن از اعضای شورای کارخانه بنا مه‌ای خبا و احوال میشود. کارگران بمعص اطلاع از حواسه حسینی شروع مقاومت میکنند، حسینی که وضع را ناآه‌ور میداند، برای تقویت موضع خود، یک ماشین دیگر را پادار و ارد کارخانه میکشند. پاداران از ماشین پادار شده و بحال آمدن ماشین در مقابل کارگران می‌استند. با اینهمه کارگران سه- سخته‌به مقاومت میکنند و میگویند دلیلی وجود ندارد که حسینی بیرون‌ده دوتن از اعضاء شورای کارخانه را باند- ارا که مقاومت کارگران را مانده کردند، کشتن- کشتند بنا با بکارگران را به عقب نشینی وادار کنند اما کارگران دلیرانه در مقابل آنان ایستادند و

گفتند: مگر از روی اجساد ما بگذرید تا بتوانید دونفر اعضاء شورای کارخانه را بکشید. پاداران میگفتند که ما حق تیراندازی نداریم. کارگران میپرسیدند "پس چرا کشتن میکنید". بهر حال حسینی فتوی داد که دو نفر عضو شورا با بکارخانه شونده. حتماً "حسینی مدعی است که طرفدار" مستضعفین "است و پاداران نیز خود را پاداران انقلاب میدانند؟!

* * *

کارخانه پوش رشت: پس از فشارهای

بسیار بر کارگران و اعضاء شورای کارگران کارخانه پوش رشت در تاریخ ۵۹/۵/۳۰ حسینی به اتفاق تعدادی پادار بکارخانه آمد. او در "تشریف‌فرمائی" خود در آن واحد شورای کارگران را منحل شده اعلام نمود. هرگونه اجتماع کارگری را ممنوع کرد، بیرون‌ده افراد مبارز و کارگران عضو شورا را خواست و فتوی داد که آنان را اخراج کنند و اعلام نمود که اگر از این پس نامه‌ای مهر شورای کارگری را داشته باشد، اعضاء شورای اقدام کنند آن نامه تحت تعقیب دادستانی قرار میگیرند.

* * *

کارخانه ایرپرسلان رشت: مدیر کارخانه به مورین

استقامات دستور داد که از ورود چهار نفر از اعضاء شورای کارگران بکارخانه جلوگیری نمایند. اما مورین استقامات کارخانه زیر بار این دستور صد کارگری او رفتند. از طرف مدیر کارخانه حکم اخراج این چهار نفر که همگی عناصری مبارز و از محبوبیت بسیاری در بین رفقای کارگری برخوردارند، صادر شده است.

=====

گیلان
سمونه‌ای از سیاست‌های کارگری
رژیم در شرکت پیش ساخته

شرکت پیش ساخته وابسته به سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع ایران است. این شرکت برای کارخانه خوب و کاغذ گیلان "جوکا" کار میکند و در حدود ۳۰۰ نفر کارگر و کارمند دارد. مدیر عامل این شرکت شخصی به نام مرتضی کرسلانی است که در آمریکا به تحصیل اشتغال داشت و پس از قیام به ایران آمد تا ماندند دیگر "انقلابیون و اردائی" به میوه حسینی بپردازد. معاون شرکت نیز شخصی بنام ورام بطروسیان است. این شخص سوابق درختانی دارد! او قبلاً "افسر بیمان ستو و عضو حزب فاشیستی دانشاکیون بود. حساب بطروسیان قبلاً در قسمت حمل و نقل "جوکا" کار می- کرد ولی با افشای سرخسینه کارگران، به ساواکی - بودن جناب بطروسیان روی آفتاب و از کار اخراج

شد. اما مرتضی گریلائی اورا بعنوان معاون شرکت پیش ساخته بکارگمارد.

پطروسیان که "خاطرات تلخی" از کارگران دارد، در ابتدای ورود خود بکارخانه، کوشید تا با زبان حرب و نرم خود، کارگران را بفریبد. او همیشه دم از حقوق کارگران و پایداری شدن آن میزد و میگفت که: "حق شما کارگران را قبلاً میخورند و حقان را بشما میدادند، ولی من شما همه آنرا بشما خواهم برگردانم". او سپس در مورد زندگی شخصی اش داد سخن میداد و میگفت که "همه زندگی من یک چمدان و یک بختوست". ولی کارگران همه میدیدند که این آقای عادل از ماشین بلیزر شرکت نمیگردد. جناب پطروسیان همیشه گلنتی به کمردارد و در سطح کارخانه جولان میدهد و به توطئه جینی بر علیه کارگران میپردازد. او که در ابتدای ورود بکارخانه دم از حقوق کارگران میزد، اکنون میگوید: "هیچ کارگری نباید بگوید که چرا من ماشین خارجی سوار میشوم و در ضمن کارگران نباید در شرکت از سیاست کشور حرفی بزنند". جناب پطروسیان برای آنکه مطمئن شود که کارگران در کارخانه از سیاست حرفی نخواهند زد، از تمامی تحریکات خود در ساواک و پیمان سنتو و حزب دانشاکیسون خود را به عدهای از کارگران ناآگاه را احیر کرده و از آنان بخواهد عنوان جاسوس استفاده میکنند تا هر کارگری را که از سیاست حرفی زده او معرفی کنند.

عماد گریلائی، برادر مرتضی گریلائی مدیر عامل شرکت، به کار در شرکت پرداخته است. جناب عماد گریلائی که پایه تحصیلی اش سیکل اول دبیرستان است به بارش برادرشان ۸۰ هزار تومان در ماه حقوق میگیرد. با آمدن عماد گریلائی به شرکت با سند گریلائی ها - پطروسیان تکمیل شد. اعضای این باند حقوقهای کلانی دریافت میکنند و به هر کارگری که به اعمال آنها اعتراض کند مارک "مدا انقلاب" میزنند. چند نمونه از اعمال فدکارگری باند گریلائی ها - پطروسیان میتوانیم به هیئت کنش آنها را بخوبی نشان دهد: حندی پیش آنها قومی را بکارخانه آوردند و از کارگران خواستند تا این قوم را امضاء کنند. طبق این مردم کارگران بجهت میگردیدند که برای رفتن به کوهستان و جنگیدن با خلق کوه آمادگی دارند.

عدهای از کارگران به اسکا رشید "اعتراض کردند. کارگران میگفتند که چرا با این کار میسازد را امضاء کنیم؟ عماد پطروسیان که ما مور جمع آوری امضاء نموده بود در جواب گفت: "این عمل پشتیبانی

از جمهوری اسلامی است و اگر کارگری آنرا امضاء نکند به او وام نمیدهیم و با اخراجش میکنم".

عدهای از کارگران اخبار را "این فرم را بر کرده و آنرا امضاء نمودند و تلویزیون گیلان هم ساز و دهل تبلیغ نمود که کارگران اعلام آمادگی نموده اند که بگردستان بروند!!

یکبار یکی از کارمندان به جمعی از کارگران گفته بود: "شما که همیشه در این کارخانه زحمت میکشید تا گزیده که نیروی کارتان را در عوض لقمه نانی که این مفتخوران بشما میدهند در این کارخانه مصرف کنید. در صورتیکه عدهای دیگر با حقوقهای کلان پشت میزهاشان نشسته اند و شمره زحمت شما را تقسیم میکنند و با امضاء قراردادهای امیرالیمستی شما را بیش از پیش اسیر میسازند. باعث خوشبختی آنان شما شد و باعث سیه روزی شما آنها شد".

جناب پطروسیان فی الفور حکم اخراج این کارمند را صادر کرد. اما کارگران که از جریان "حکم اخراج" مطلع شده بودند، شدیداً اعتراض کردند و پطروسیان بناچار عقب نشست و حکم اخراج کارمند مزبور را لغو نمود ولی برای آنکه عدهای ناگفته کارگر از این بیروشنوند!! از نماینده خمینی کمک گرفت. نماینده خمینی، حاجی احمد کریمی است.

حاج آقا کریمی که پیرونده اش در درگیریهای بزه - سر طوالش "از روز روشن تراست دست حاج آقای کتاب صادق هدایت را از پشت بسته است. حاج احمد کریمی به اتفاق سرپرست باند پایداران در کارخانه چوکا، به کارخانه آمد تا از کارگران زهرچشم بگیرد. او در جواب کارگرانی که با قاطعیت اعلام کردند که "در صورت اخراج این کارمند، حکم اخراج ما را هم باید بنویسید" شیرمانه پاسخ داد که "اگر اعتبار هم بکنید همه شما را بگلوله میزنیم" اما از آنجائی که توپ و شترهای حاج آقا در برابر چشم کارگران راه نداشت نبرد. بالاخره حاج آقا را می شد که از کارمند مزبور تعهد بگیرد که دیگر از سیاست حرفی نزد و با کارگران تماس نگذرد. در غیر این صورت بلافاصله اخراج خواهد شد.

آیا سیاستهای مدکارگری حکومت جمهوری اسلامی در برابر سبیل عظیم جنبش کارگری راهحالی خواهد بود؟ نیروی قدرتمند و بولادس کارگران مهین ما تمامی این عناصر ضد کارگروست را با تمامی حمله ها و سرکشیهایان همچون خن و خاشاکی ارشاد خودیاد کرده و آنرا به زبانه داغ تاریخ خواهد سپرد.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

کارگران روزنامه‌سازان!

اتحاد شما روز به روز بر اندام مدیران و حاکمین
وابسته به امپریالیسم و استبداد است.
آنها قصد دارند اتحاد شما را همسایه منحل
نمایند. با اتحاد یکپارچه و منظم و مست
همه جان به خن و اتحاد شما را از انحراف کبیر
بخشید.

فاجعتهای مریکایی و انگلیسی در ایران ۱۳۵۹/۵/۲۸

کارگران و معینین بسازند:

آیا در مقابل دریافت حداقل ۱۰۰۰۰۰ یک همد هزار ریال
سه سه سود در سال ۹۰ از دلورق اتحاد خود و اتحاد
شما را و اثر بر بهر حقوق قانونی سه سه و وقت سه سه
قانون شرکت در مناقض کارگاه حداقل در بر یافتن
۸۰۰۰۰ معینان و پیوسته هزار ریال ماهیت دهد کارگری
خود را نشان زنداده است؟

فاجعتهای مریکایی و انگلیسی در ایران ۱۳۵۹/۵/۲۸

اصفهان : روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۱ در یکی از کار-

گاههای ساختمانی دوب آهن، کارگاه سوره ۶۵، یک
رفیق کارگر بنام علی محمدی در کجاده دلخراش جان
خود را از دست داد.

حریان از این فرار بود که گویا یکی از کابل‌های
مربوط به حریق یکی جابجا شده بود و گفته
سیاری از کارگران، یکی از مسئولین کارخانه
علی محمدی را برای جابجا شدن آن به بالا فرستاد، که
او دچار مانع شد و جان را از دست داد.

در مورد نحوه این حادثه گفته‌ها مختلف است.
مسئولین کارخانه و عوامل آن سزیمکوشند موضوع
مرگ شخص نبود و با بحث شایعات گوناگون به حواسم

دانش میزنند تا بلکه بتوانند قصه را لوٹ کرده آنرا از
دهن سایر کارگران خارج سازند. اما کارگران سست
بهی توجیهی مسئولین اعتراض کردند و دنباله موضوع
را گرفتند. بخصوص آنکه این رفیق کارگر یک کارگر
انقلابی بوده که در برخورد های مختلف با مسئولین
کاملاً شجاع شده بود. خیلی از کارگران معتقدند
در فرستادن وی به بالای حریق، تعمدی در کار بوده
است.

برای محو آثار این ضایعه و منحرف کردن ذهن
کارگران فردای آنروز عده‌ای معلوم الحال در کار-
خانه دست به بریائی نماز وحدت زدند!

مردم مبارز، رفقای هوادار، سازمانهای سیاسی

آقای اسماعیل راشی، دانشجو سال چهارم رشته روانشناسی دانشگاه تبریز،
متولد آبادان از تاریخ ۲۴ اسفند ماه ۵۸ در مسیر راه تبریز-آبادان مفقود
گردد. او تاکنون هیچگونه اطلاعی از این جوان نداده است. از شما می‌کشی
که در این اطلاعیه دارید چرا خدمتگذار هر طرفی کسی توانست ما را مطلع گرداند.

یکی از رفقای هوادار گزارشی از "نشست کارگران پروژه‌های (فصلی) آبادان" تهیه و برای ما ارسال کرده است. ما این گزارش را عیناً "درج می‌کنیم" و از تمام رفقا بویژه آنهایی که در زمینه مسائل کارگری تجربه اندوخته‌اند، دعوت می‌کنیم با نظریات مندرج در این گزارش فعالانه برخورد نموده، چنانچه انتقادی و یا توضیح تکمیل‌کننده‌ای و خلاصه‌های رایج به آن دارند برای ما ارسال دارند. باشد که با اینکار ما هیت واقعی هر شکل کارگری بیشتر مورد تدقیق قرار گیرد و ابهاماتی که در امر سازماندهی کارگران وجود دارد زدوده شود و کارگران با درک مضمون فعالیت‌های شکل‌هایی از قبیل شورا، سندیکا، اتحادیه و... ذهن خود را از سردرگمی نجات بخشند و از توهّمات و ادراکات نادرست بیا- لایند و مصممانه تر در راه ایجاد آن تشکلی که برآستی انقلابی و در خدمت منافع طبقه کارگر باشد، گام بردارند.

«نشست کارگران پروژه‌های (فصلی) آبادان»

جمعه ۵۹/۶/۱۴

بعد از قیام توده‌ها و فرار عده‌ای از سرما به داران و خوابیدن کارخانه‌ها عده زیادی از کارگران پروژه-ای آبادان بیکار شدند و برای رسیدن به وضع خود اقدام به تشکیل سندیکا نمودند که سنگ اندازیهای دولت و حمله فالانژها باعث تاخیر در تشکیل سندیکا شد. ولی کارگران که از فرط بیکاری نان شب خانوادۀ خود را نیز نمی‌توانستند در بیاورند با مقاومت و سرعنی زیاد توانستند سندیکائی (درایستگاه ۸) تشکیل دهند که با استقبال عده زیادی از کارگران که حدود ۳۷۰۰ نفر بودند این سندیکا شروع بکار کرد. رژیم کمی دانست امکان دارد این محل، مکانی برای اجتماع نیروهای مترقی شود و در این میان آگاهی کارگران فزونی بیا- بد، تا آنجا که میتوانست در کار این سندیکا اخلال کرد.

آخرین حربه رژیم تشکیل تعاونیهای طرح و گسترش (که البته این طرح در تمام ایران انجام شد) بود که باعث شد اکثریت کارگران جذب این طرح شده و سندیکا بصورت نیمه تعطیل درآمد. علت این امر دو چیز بود: یکی اینکه مسائل سندیکائی و معنای مفهوم سندیکا برای کارگران توضیح داده نشده بود و دیگری، نبود طرح عملی در مقابل کارگران، در نتیجه آنها نیز به محض فهمیدن این مطلب که دولت، تعاونیهای تشکیل داده و بول در اختیار کارگران بیکار قرار میدهد تا برای خود کاری راه بیندازند، بدون اینکه از ماهیت این اقدام دولت آگاهی داشته باشند، جذب این تعاونیها شدند و دولت تا حدودی بمقصد خود (البته در آبادان) که به سستی سندیکا بود، رسید. و از آن زمان تا کنون کارگران حتی سری هم به سندیکا نمی‌زنند و هر کسی بی‌کاری برای خود درفته است. البته به جز این دلایل، دلایلی دیگر نیز وجود داشت که بهتر است از زبان خود کارگرانی که در این جمع شرکت کرده‌اند بشنویم. لازم به توضیح است که این نشست، چهارمین نشست آنهاست. که از اول شروع آن عده کمی در حدود ۲۰ نفر شرکت داشتند و این هفته براه شرکت کارگران تعداد آنها به ۶۰ نفر رسید.

در شروع جلسه یکی از کارگران من، از وضع بد کارگران و نیازمندی آنها به سندیکا صحبت کرد و خواستار این شد که با سندیکا را تعطیل کنیم و با برنامهای برای ادامه کار آن طرح ریزی شود. کارگرد دیگری که خود عضو هیئت مدیره سندیکا بود به این موضوع اشاره کرد که: "زمان کار این هیئت مدیره تمام شده و باید انتخابات مجدداً شروع شود، زیرا طبق اساسنامه سندیکا بعد از مدت مقرری هیئت مدیره بطور خودکار از سمتی که دارند برکنار خواهند بود". حدود یک ربع درباره این مسئله بحث شد. عده‌ای می‌گفتند که با این تعداد کارگران نمی‌توان انتخابات مجدداً کرد و عده‌ای می‌گفتند که ۵ نفر را وقت سر کار نگذاریم که در این مورد تصمیم قطعی گرفته شد. و مسئله دیگری که مربوط به تعاونیهای طرح و گسترش و وضع کاری کارگران بود عنوان شد. کارگری میگفت: شرکت پتروشیمی ایران - زاین عده‌ای کارگر احتیاج داشته که حدود ۹۰ نفر کارگر زاین-پتشی، تبلیغاتی، استخدام کرده‌است و ما باید به طریقی سعی کنیم در این شرکت استخدام شویم. کارگرد دیگری میگفت: "برای استخدام شدن اولاً طرح و گسترش آبادان باید شمار به طرح و گسترش استان معرفی کند کارگران آنجا سرما مقدم هستند باید تمام کارگران آنجا سرکار بروند، بعد اگر جای خالی بود ما را می‌فرستند. مسئله طرح و گسترش که مطرح شد یکی از کارگران از بوج و توخالی بودن این طرح و اینکه این طرحی است که معطی نامکما ما را سرگرم میکند و بخاطر وضع اقتصادی مملکت و رقابت با بازار این طرح عملاً شکست می‌خورد

میتود که مقداری از آن برای خرید وسائل کار و مقداری هم صرف حقوق میتودولی کاری در اختیار آنها قرار داده شده است. اگر هم کاری باشند از آنها میخواهند. مثلاً "فلان کاری را که مخارج آن بفرض یکمیلیون و خورده ای است، با در دست هزار تومان تمام کنند و مسلماً فشار زیادی بکارگران وارد خواهد آمد و آنها زیر بار این کار نمی روند".

بعد از صحبتها موضوع اصلی نشست عنوان شد که: چگونه می توانیم کارگران را دوباره به سندیکا جلب کنیم و چه کار عملی میتوان جلوی پای آنها قرارداد. یکی از کارگران گفت: باید غلبتهائی را بر سرسی کنیم که باعث شده کارگران از سندیکا سرگرد. یکی از غلبتهای اصلی آن گروه بازی در سندیکا بوده، هرگاه کارگری شروع به صحبت میکرد، گروه دیگری او را میکوبید. و مسائل سیاسی زیاد تر از مسائل اقتصادی مطرح شده است بعدی که به مسئله اقتصادی کارگران اهمیت داده شده و آنها نسبت به سندیکا بدبین شده بودند. دولت نیز مرتباً "تبلیغ میکند که این سندیکا، سندیکای کمونستهاست به این ترتیب به این توهم بیشتر دامن می زند. همچنین این سندیکا در کارهای آموزشی به کارگران سهل انگاری کرده است و برنامه آموزشی درست برای آنها طرح ریزی نکرده و کارگران را با مضمون اصلی سندیکا آشنا نکرده است و نگفته که سندیکا فقط محل کارگران بیکار نیست بلکه کارگرانی هم که سرکار هستند باید به اینها بیایند و بر مسائل و مشکلات کارگری صحبت کنند. کارگری میگفت: بعضی از کارگران سندیکا را با حزب اشتباه گرفته اند و فکر میکنند میتوبند و حزب تشکیل دهند و در فکر سرنگونی حکومتند. و بقولی کارگر هنوز تاتی تاتی بلد نیست او را گذاشته اند اسارت دودمیترو میگویند و دیگر میگفت: از همان اول کار عملی در مقابل کارگران نگذاشته اند که از نظر اقتصادی گامی باشد در جهت خواسته های آنها و روی این اصل است که کارگران دیگر اینجانی نمی آیند مثلاً خود من پول سیگارم را قرض کرده ام و پیرهن چهار سال پیشم را می شورم و می پوشم. ولی به این سندیکا هنوز ایمان دارم و هنوز کارت آنرا هم باز نکرده ام در صورتی که کارگرهای دیگر کارت آنرا هم باز کرده اند. بعد از بحثها و استقاداتی که به سندیکا گرفته شد، قرار بر این شد که هفته آینده کارگران هر طرح و پیشنهادی برای سندیکا دارند که بتوان کارگران را دوباره جمع کرد بنویسند و یا شفاها "آنرا بیان کنند و پیشنهادی که این عده از کارگران یا دیگر کارگرانی که عضو سندیکا هستند در این جلسه شرکت نکرده اند، صحبت کنند و برای هفته آینده کارگران را برای صحبت های نهائی در سندیکا جمع کنند تا هم بتوانند در مورد انتخابات جدید و هم در مورد طرح عملی صحبت کنند.

سیالیه گران دلار

کارگران نسبتاً با تجربه و مبارز چگونه میتوانند به نمایندگان انقلابی رای دهند و درستی این کار خود را برای سایر کارگران تشریح نمایند؟ نکته دیگر در این انتخابات آنکه احساسات نامعقولیستی و جسم و همجسمی بین ترکها و کردها که عوامل گردانندگان شرکتیان دامن میزنند، باعث شد برخی از کارگران، با آنکه دل حوشی از فلان کاندیدای نمایندگی نداشته اند و با آنکه اینگونه کاندیدها را اعمال و مبارز در راه مافع طبقاتی خود نمی دانستند، با ایوصاف آنان رای به نمایندگی برگزینند و این همان جری است که سرمایه داران و واسطه و عوامل آنان در دلار خواستار آن هستند.

های انقلابی، شرایط را برای سو خود آوردن زمینه های فعالیت جهت دشت زدن بهر نوع عمل انقلابی آماده سازند. در آن شرایط دیگر کسی از خود فروختگان حکومتی حرات ندارد با لاق با کارگران مقابل نماید و کارگران آگاهانه و آزادانه آنان را که در جهت ایجاد و حفظ این شرایط و مبارزه فعال برای دفاع از منافع کارگران گام بر میدارند بعنوان نمایندگان واقعی خود برخواهندگزید. علاوه بر رفتار توهیب آمیزی که به عنوان حفظ "نظم" نسبت بکارگران اعمال میشود، خصمی در درون سالن با یک کلت در دست، سرخریان انتخابات نظارت میکرد!! در یک جنس فعالیستی

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

نهران - سرکب حکیم

در شهر سورماه تعداد ۲۵۰ هزار کارگران حرکت
حکیم کدک حرکت اجتماعی است بحرم محمول
مداخلات حرکت اخراج نند. محسن درمغه
آخر شهریورماه ۲۵۰ نفر دیگر بحرم اسکهدریک ورودو
ناربه نوبال رفند. اخراج کردند!!

اجراج مذکان رورسحسبه ۵۹/۶/۲۷ برای نگا-
سبب اداره کار مراجه کردند. اداره کار طبق معمول
سربامه پردواذن کارگران را که تعدادشان ۹۰ نفر
بود. آغاز کرد و کارگران سیرمضم گرفتند برای
سلیم عکاسا مه خود. به حسب وری برود. البته
ندبی است که کارگران باید با آرزایی همه حواس
امر. کللی از مبارزه را اسحاب سادکه ساجوه سه
سراط کاری آسان. مناسب ترس یکل برای سسرود
اهداسان سادواکنا حوس را اسان سکا از مبارزه
کدی سردد مسلرم ماه گذاردن از خود و حرکت عملی
جو کارگران در غلی یک سروه مملو از روارو سسی
سقسیم و سمرسقسیم سادسپان طفا سسان خواهد
بود. سهدوارا سکاال دیگر. منجمله سابه براکی به
مقامات و ادارات حکومتی. سنوان اسکاال سراسی
سارزه که ساد مفید آمد. اسفاده سانس.

=====

آمل: رورسحسبه ۵۹/۶/۱۸ کارگران دلار سه
اسحاب سانسکان خود برداشتند.

طبق قانون کار. سانسکان سانسکان درمضم
جودبانی سمانندوس ازان اسحاب سمدصورت می-
کرد. مثلا در دلار یک سمر سنوان سمانده کارگران
۲۰ سمر سنوان اسعای سورا را دارا بودند که کسی از
اعضای سورا در عین حال معاون سمانده سسرود برای
دوره جدید اسحابات ۷ هزار کارگران و البته ۵
سمانده ندیمی سرجود را سمر کرد. از طرف وزارت
کار ۲۰ سمر سنوان سمن سطر ساه محل آمده بودند و
جدنا سمدار سمر ساه آخود سسی هم در آنها حاصر
نده بودند.

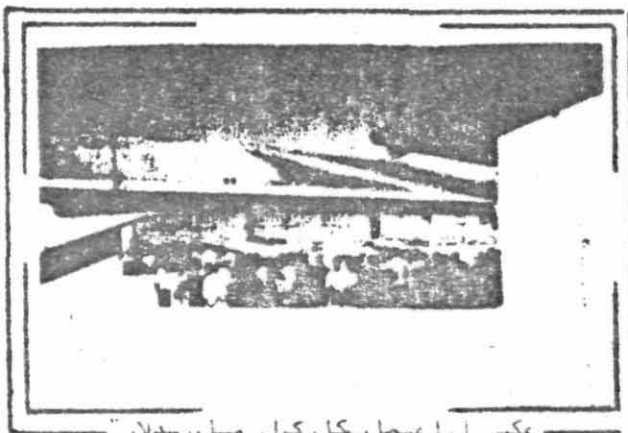
کارگران در سالی اسحابات کرد آمدند و آگاه
شد سورا را سمداد اعمامی وزارت کار سالی سکورمه
سوسحابی دانوسن آخود سسی سراسی سسود را
سرم کرد. وی اظهار داشت سمانده ای که اسحابات
نیکند سمانده سسبب سسبب سانس. سانس
سابق ساند. سکه سادکی سمانده سسبب سسوری

اسلامی و قانون اساسی و.....

مثل اسکهد آفای سسی اسمدرحالی (۱) بود
که روس سدنیکاره سکوید سمانده سایدک سسروده
رژیم جمهوری اسلامی و با کارگران آگاهی سادکسه
سنوان اورا سرب داد و سرجو سمداد سوار شد!

سمدار سمر (۲) سسی سسی. یکی از افراد اعمامی
وزارت کار آشن سمانه قانونی مربوط ساسحاب سمانه-
سذکان را سواشد کرد و سس ۱۲ کاندیدی سماندکی
خود را معرفی کردند.

در این لحظه همه کارگران را از سالی سسرود
سرسادند و سس سرجود سسبه سکا ردر سالی سارنده
سس ۱۰ الی ۲۰ کارگر سدرود سده سسند سارای دهند
سرای سطر "سظم" ساداری ساکمر سس حوس که از آن
سحای سالی اسفاده سکرد. کارگران را که سرای سرحانی
از سرحمای کرده سسرون. سدرود سالی سسوم می-
سردند. سادکک سسکرت. در سراط سوسی از سس
- سمانوان سمر سمانی سون اس اسحابات سسی
سرد. کارگران برای آکه سوا سس سانسکان واقعی
حوس را اسحاب سمانند. سایدیا اسفاده از سراطی
ساسب و ساری سرحانی که در حوس سمانده سعلی سمان
سسمان سسبه کارگر و ارگاهای سرجو سس رژیم سمان
خودند آزماهای کارگری را سانس کرده و راه سعلی
سارزه را سسبه سرحیه سمانده سسبب سمانم خود و
سورر اسحاب سمانده و سمانلی را سسسل آگاه
زدد و حوس سراط سدلار سرحما سس سراط دیگر سوره-
های کارگری ساسب سسی ساند. سس سانسکان واقعی
کارگران سمانی سمانده سمان سس سسرون سسورر
ساررایی می سردد اردومی کوشد سانسکا سسرمود



دسالد در سسبه ۱۱۲

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

شهری اسلامی نام مسوچهر با بیا کدمن شرکت
فعالانه در سرکوب نیروهای انقلابی و مبارزات مردم
در مسجد گلشن بابل نیز در شمار قرآن خوانان بود
سیت قبلی به همایه خود پیشنها نمود چنانچه به هنگام
قطع آب، به آب ساز پیدا کردند. میتوانستند از خانه
وی احتیاج خود را تأمین نمایند. این آقا که ما
هیت او بعنوان یکی از سرجماء داران بابل و یکی از
جیره خواران فعال رژیم جمهوری اسلامی بر همه مردم
شهر روشن است.

همچنین پیشنها دکر کرده برای حمل آب خدمتکار
خود را بمنزل او بفرستند و حتی از اینکه خودش به علت
مشغله زیاد قادر بر انجام خدمتی نیست، عذرخواهی
نمود!

هنگامیکه دخترک یازده ساله (خدمتکار) برای
آوردن آب بداخل منزل نامبرده رفت، این هرزه
کشف با و نزدیک شد و بی تردید اگر میتوانست بیشتر
ماه ترین اعمال را مرتکب میشد.

دخترک گریه کنان از خانه گریخت و ما جرار را با
خانم همایه و سایر اهالی محل در میان گذاشت.
مردم در برابر چاه مسوچهر با بیا احتیاج
کردند و برای رسیدگی موضوع اسناد "سپاه پاسداران"
را در جریان قرار دادند که از خود سلب مسئولیت نمود و
سپس به شهر بانی تلفن زدند.

از سوی شهر بانی جندها، مور محل اعرام شدند
و چون اهالی محل مصرا "خواستار دخول به خانه آن
ولگرد و بیرون کشیدن وی بودند، ماء مورین پس از
تحقیقات محل را ترک و با حکم دادستانی بازگشتند
و همراه چندتن از اهالی محل بدرون خانه رفتند.
مسوچهر با بیا از سوی دیگر فرار کرده بود اما
اهالی محل در خانه او اسن جیره را کشف کردند و یک
نانکرو ۲۰۰۰ لتری سرشار از نفت

سوز گوهنی بمقدار زیاد
سیگار و بنسئون چندین پاکس
محلات حاوی تما ویر مستهجن

جالب اینجاست که پس از سواشی افتتاح آمیری
که این مزدور رژیم جمهوری اسلامی بالا آورد، دوروز
بعد در تاریخ ۵۹/۷/۹ همایه کتبیای او در سپاه پاسدار
ان (ساکینه) به محل ریخند و کوشیدند تا بقول
خود برای اسن هرزه گرد بشیرم آبروشی کس کنند!

گملاان - رجوعه انشیر

۱- در رسته ۵۹/۶/۱۵ خلخالی جلاد در حالیکه در
ماسن صد گلوله ای بسته نموده رصوا شهروارد داشت
در حالیکه ماسن خلخالی را عده ای او باش و پاسدار

ولای مردم هیچ عکس العملی از خود نشان نمیدادند.
سپس خلخالی در جلوی مسعد رصوا شهروارد ای همان ارادل
او باش و پاسداران اسکورتن و تعدادی کودک خرد
سال سخنرانی کرد و پس از آن دستور پاره کردن اعلامیه
ها و تراکت های سازمانهای سیاسی را صادر کرد.

پاسداران مسلح خلخالی نیز در حالی که شمار
"مرگ بر منافقین" را میدادند تمام اعلامیه و تراکت
ها را پاره کرده و بعد از آن بطرف یونل (دره کیلیو-
متری رضوانشهر) حرکت نمودند. در یونل آنها به دکه
هواداران سازمان مجاهدین حمله کرده و آنرا و سران
ساختند.

مردم در برابر شرارتهای آنها میگفتند، ای
خلخالی جلاد کوردستان را با خاک و خون کشید حالا می
خواهد اینجا را هم مثل کوردستان بکند.

۲- در ساعت ۱۰/۵ روز دوشنبه ۵۹/۶/۳۱ پاسداران
مزدور به کتا بفروشی هواداران سازمان مجاهدین
خلق حمله کرده و بیست و دو کتا بهار را پاره کردند. مردم
نیز که از این اعمال آنها بترساده اند، آنها را عو
کردند و با شعار مرگ بر پاسدار، مرگ بر پاسدار، و کبر
آزادی، بمقابله با آنها شافتند. و پاسداران مزدور
نیز برای قدرتنمایی شروع به تیراندازی هواشی و
زمینی کردند که در اثر تیراندازی آنها، یکی از افراد
زخمکش رضوا شهروارد کشته شد. استازان جدید پانیر
خورد و بدین ترتیب برای اعمال سنگین پاسداران عملی
دیگر نیز اضافه شد.

رویدادها: روز دوشنبه ۵۹/۶/۲۳ بین یکی
از روستایان زخمکش و زمیندار بزرگ محل بنام حاج
- بابا یورا احمد و پسرش نصرت یورا احمد، مشاجره ای در
گرفت که زمیندار و پسرش روستائی زخمکش را کشتک
زدند. او پس از آنها به پاسگاه ژاندارمری شکایت
کرد که فرما بده پاسگاه به شکایت این کشاورز ترتیب
اثرنداد. کشاورز زخمکش سپس تکایت خود را به سپاه
پاسداران حوکار برد. سپاه پاسداران حوکار سرشما به
حاج بابا یورا احمد را به اتفاق سه پسرش دستگیر کرده و
به حوکار می برد. ولی پس از چند ساعت آنها را آزاد می
کند.

نکته حالب اینجاست که روز بعد نصرت یورا احمد
به اتفاق چند پاسدار بمنزل آمده و به ما ره کردن اعلامیه
ها و تراکت های کد در و دیوار ده شده بود. میر-
دارد، او به پاسداران شکفت که اینها (مظورش ما-
رما سبای سیاسی بود) کشاورزان را تحریک میکنند
تا ما را آزار دهند و در حالی که شعارهای روی دیوارها
اشاره میکرد، میگفت که همایه اینها کار کمونیستهاست
دنباله در صفحه (۲۰)

جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن



۱- جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن در میان جریانات متنوعی که در درون جنبش عبارت از انی ایران وجود دارند، ایدئولوژی سیاسی جریکهای فدائی خلق ایران را تنها تفسیر درست و انطباق مارکسیسم-لنینیسم با شرایط عین مملی شناسد از این نظر خود را وابسته به این جریان دانسته و کوشش خواهد کرد تا در ارتباط با آن وظایف زیر را انجام دهد:

۱- حفظ سنن انقلابی جنبش دانشجویی و دانش آموزی ایران، و ارتقاء و غنا بخشیدن هر چه بیشتر آن.

۲- منفرد کردن اپور تو نیسم و جلوگیری از رخنه و گسترش آن در محیط دانشگاه و مدرسه.

۳- پاسداری از دانشگاه و مدرسه و موجودیت آنها بعنوان یکی از سنگرهای مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده ها.

۴- حفظ و گسترش روحیه مقاومت و مبارزه انقلابی در دانشجویان و دانش آموزان.

۵- پاسخ به ضرورت های مبارزه ضدامپریالیستی در چهار چوب جنبش دانشجویی و دانش آموزی.

۶- کوشش در عمیق ساختن پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با سایر جنبش های مردمی.

۷- افشاء و منفرد کردن جریانات سازشکار.

۸- دمکراتیزه کردن روابط در دانشگاه و مدرسه.

۹- مبارزه برای تغییر نظام آموزشی در ارتباط با مسائل واقعی جامعه ایران.

۱۰- مبارزه برای هر چه عملی تر کردن دروس.

۱۱- اساعه مارکسیسم-لنینیسم انقلابی.

جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، ضمن دامن زدن به مبارزات دانشجویان و

دانش آموزان بر علیه امپریالیسم در تمام مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی و دانش آموزی شرکت

فعال خواهد کرد. و کوشش می کند تا در نهمین اهداف، اسلوبهای عمل، و بطور کلی برنامه های عملی این جنبش تأثیر خود را بر جای گذارد. در این مبارزه جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن جهد خود را برای اتحاد عمل گروه ها و جریانات متفرقی، نا آنجا که با اهداف و وظایف اصولی جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن مغایر نباشد به عمل خواهد آورد.

دانشجویان و دانش آموزان مبارز

با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، صفوف دانشجویان و دانش آموزان مبارز میهنان را مستحکم تر سازید.

=====

دنباله گزارش رودبار را

دستبرخ کار خودشان بودند در احیای گرمه و پورجا - سی معنوجیری بدادند. پورجای سر از ۲۸ تن از این زارعین مبارزه "دادگاه انقلاب" نکات کرد. اما تعدی ها و ظلم و ستم او و حقانیت موضع زارعین آنجا آشکار بود که "دادگاه انقلاب" سر بر علیه پورجای راء ی خود را صادر کرد. بدستبرخ روستا - ثیان زحمتکش حوشار تصمیم گرفته اند تا دست تمامی رالوصفانی همچون پورجای را که خون آشبارانی - مکن از سر خود کوتاه کرده و تا دست یافتن به کلیه حقوق حقه خود دست از مبارزه برند.

با سداران سیس خانه یکی ارکارگران محل حمله کرده و چند کتاب از خانه او بردند و به این ترتیب اتحاد سوم خود را با زمینداران بزرگ به معرض نمایش گذاشتند. ولی ما به همه با سداران و زمینداران بزرگ میگوئیم که چریکهای فدائی خلق ایران افتخار میکنند که روستائیان زحمتکش را سر علیه زمینداران بزرگ و حاکمان آنان بشوراند. به امید روزی که در اثر مبارزات روستائیان زحمتکش و پیوند مبارزات آنان با مبارزات سایر اقشار و طبقات خلق دست تمامی زمینداران بزرگ و حاکمان آنها، از هر قماش که باشند، از سر مردم ماکوناه شود.

=====

=====

رودبار سرا - خوشابو

به یاد پیشمرگه قهرمان چریکهای فدائیی خلق ایران رفیق شهید نور آقا زاده

یکی دیگر از رفقای مادر بنبر در علیه ارتش مد خلقی که آتش سلاهای خود را بر روی خلق دلیر کرد کتوده است در اشراعات حمیاره به شهادت رسید. خون سرح رفیق نور آقا زاده بر جرم سرخ چریکهای فدائی خلق ایران را گلگون تر ساخت و ما را در ادامه راه خود مصمم تر کرد. شعری را که در زیر میخوانید به یاد این رفیق شهید سروده شده است.

دنباله در صفحه بعد

زمیندار بزرگ خوشابو، شخصی بیام پورجایی است. پورجایی همیشه کوشیده است تا از طریق به اصطلاح خرید زمین روستائیان زحمتکش، زمینهای آنان را غصب کند و بدین ترتیب زمین بسیاری از زحمتکشان روستا را که از نظر توانائی مالی قدرت مقابله با او را نداشتند از جنگ آنان خارج کرد. در جریان اصلاحات ارضی شاه خائن سیزا و باز دوسید و حقه بازی توانست که زمینهای بسیاری را در جنگ خود گناه دارد و تنها ۱۷ نفر از کشاورزان در اثر مبارزات پیگیر خود نتوانستند قطعه زمینی را از او پس بگیرند.

امسال زارعینی که بر روی زمینهای غصب شده توسط پورجایی کار میکردند، تمام محصولات را که

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

به عطش آبی دریا !
بیژواک سرح باد ،
هیاهات !
"نوروش !" ای شهاب بت شکن !
دردری ریشه ها و توشه ها
سیلاب انفجار ستاره خونین است .
درباد سرخ سحر ،
درغیر رشد گلوله در خاک ،
در انفجار سربسی ستارگان خونگون
فر رفتی با بانگ که من :
تلاء ، لوصداقت پونه در آب اشک گون چشمه سارم .
آهای "نوروش !" ای موج خون عاشقان
باخشم تند و تیز دشمن ستیز این خاک
چالاک ، تو سرودی این آهنگ که من :
از سلاله خورشیدم .
اینگ ،
خون قلب عاشقت

درد راه راه موج چون ،
علفله می رند ، خوبار .
چشمان عاشق بگاہت
درخشمه های عروشان کردستان
درخشش شمشیر است .
قسم به صداقت بیدریغ ماندگارت ،
در آب آفتاب ، دامن کشان ، پاروژان
سہتاب می شویم
وتا ،
ماه آفتاب با سنگ کوهسار ،
فرهاد می شویم ،
فریادمی شویم
آهای "نوروش"
فرهاد ،
فریاد
فریاد فرهاد می شویم .
۵۹/۷/۶ باریں



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

برهبری طبقه کارگر

تکثیر مجدد از جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن - پاریس

رفقتای مسئول تورع خبرنامه

سهای خبرنامه ۲۵ ربال است ، ولی برای تورع آن دربین زحمتکشان بولی دریافت نکنید .